

## سبک‌شناسی نسخه خطی دیوان شحنه مازندرانی

مرضیه زارع زردینی<sup>۱\*</sup>، آسیه ذبیح‌نیا عمران<sup>۲</sup>

۱- گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

سال هجدهم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۰۸، صص ۱۳۴-۱۱۵

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7758>

### نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

#### چکیده:

**هدف و زمینه:** با توجه به اهمیت، ضرورت و نقش دیوان شعری فارسی در احیای متون بجای مانده از گذشتگان و با توجه به اینکه دیوان شحنه و اشعار و سروده‌های بجا مانده از این شاعر کمتر بررسی شده است انجام این پژوهش از لحاظ ادبی می‌تواند از اهمیت و ضرورت ویژه‌ای برخوردار باشد و در معرفی اشعار این شاعر ایرانی و سروده‌های او به دوستداران شعر و ادب فارسی مفید واقع گردد.

**روش تحقیق:** مقاله حاضر میکوشد به روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر ابزار کتابخانه‌ای به بررسی سبک‌شناسی دیوان شحنه مازندرانی بپردازد.

**یافته‌ها:** محمد مهدی خان شحنه مازندرانی، متخلص به «شحنه» (متوفی به سال ۱۲۴۷ ه.ق) از سرایندگان سده دوازدهم هجری قمری اهل روستای پازوار (بابل) و از امرای روزگار فتحعلیشاه قاجار بود. شحنه مازندرانی از شاعران دوره بازگشت ادبی است و سبک شعری وی نیز مشابه سبک عراقی است. از آثار شحنه تاکنون دیوان مدوتی به چاپ نرسیده است. دیوان خطی از محمد مهدی مازندرانی به نام دیوان شحنه در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به فهرست شماره ۹۱۰۲ موجود است. نسخه مذکور شامل ۵۵ غزل است که کوتاهترین آنها پنج بیت و بلندترین آن ده بیت دارد. در ضمن تعدادی غزل قطع شده بصورت پراکنده در دیوان شحنه به صورت تکبیتی، دوبیتی و چندبیتی وجود دارد.

**نتیجه گیری:** براساس دستاورد تحقیق، قالب برتر شعر شحنه مازندرانی غزل است و موضوع غزلهایش عشق، وصال، طبیعت، معشوق، فراق و... است. از انواع علم بیان در دیوان شحنه، تشبیه البته از نوع محسوس بیشترین بسامد را دارد و استعاره نمود زیادی ندارد. کنایه‌ها بیشتر از نوع ایماء هستند و از انواع مجاز علاقه جزئیت و محلیت بیشتر دیده میشود.

تاریخ دریافت: ۱۰ شهریور ۱۴۰۳  
تاریخ داوری: ۱۲ مهر ۱۴۰۳  
تاریخ اصلاح: ۲۷ مهر ۱۴۰۳  
تاریخ پذیرش: ۱۱ آذر ۱۴۰۳

#### کلمات کلیدی:

سبک‌شناسی، شحنه مازندرانی، بازگشت ادبی، غزل

\* نویسنده مسئول:

[Mzare93@pnu.ac.ir](mailto:Mzare93@pnu.ac.ir)

(۲۱ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Stylistics of the Manuscript of Shahne Mazandarani

M. Zare Zardini\*<sup>1</sup>, A Zabihnia Emran<sup>2</sup>

1- Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Payam Noor University, Tehran, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Payam Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 31 August 2024

Reviewed: 03 October 2024

Revised: 18 October 2024

Accepted: 01 December 2024

KEYWORDS

Stylistics, Shahne Mazandarani, Literary Revival, Ghazal

\*Corresponding Author

✉ [Mzare93@pnu.ac.ir](mailto:Mzare93@pnu.ac.ir)

☎ (+98 )

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** Given the importance, necessity, and role of Persian poetry collections in reviving the texts left by past generations, and considering that the Divan of Shahne and the poems attributed to this poet have been less examined, conducting this research can hold significant literary importance and necessity, contributing to the introduction of this Iranian poet's works to enthusiasts of Persian poetry and literature.

**METHODOLOGY:** This article aims to investigate the stylistics of the Divan of Shahne Mazandarani using a descriptive-analytical method based on library resources.

**FINDINGS:** Mohammad Mahdi Khan Shahne Mazandarani, known as "Shahne" (deceased in 1247 AH), was a poet of the 12th century AH from the village of Pazvar (Babol) and one of the dignitaries during the reign of Fath Ali Shah Qajar. Shahneh Mazandarani is regarded as a poet of the literary revival period, and his poetic style is similar to the Iraqi style. To date, no comprehensive collection of Shahne's works has been published. A manuscript titled Divan Shahne by Mohammad Mahdi Mazandarani is available at the Library of the Islamic Consultative Assembly under catalog number 9102. This manuscript includes 55 ghazals, with the shortest containing five couplets and the longest containing ten couplets. Additionally, several incomplete ghazals are scattered throughout the Divan Shahne in single-line, couplet, and multi-line forms. The themes of Shahne's ghazals encompass love, union, nature, beloved, separation, and more.

**CONCLUSION:** Based on the research findings, similes of a tangible nature are frequently employed in the Divan Shahne, while metaphors are used less often. The metaphors present in the Divan are primarily indicative. Various types of metonymy related to part-whole relationships are also prominently observed.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7758>

| NUMBER OF REFERENCES  | NUMBER OF TABLES   | NUMBER OF FIGURES  |
|---|--|--|
| <br>31 | <br>3 | <br>4 |

## مقدمه

شعر کلامی موزون است که خیال‌انگیزی و عاطفه‌شنونده یا خواننده را برمی‌انگیزد؛ حقیقت زندگی را در قالب خیال بیان میکند و آدمی را به تخیل وامیدارد. ماده اولیه شعر، کلمه است و شعر خود را به جادوی کلمات میسپارد و با واکنشی مؤثر، آنچه را ما احساس ناب می‌گوییم به تصویر میکشد. در چنین حالتی است که شاعر، خاطره یا رؤیایی را با دینامیسم شعر، در می‌آمیزد و در نتیجه به زبان، جانی دوباره میبخشد. شاعر با سرودن شعر از وزن و قافیه استفاده میکند و به کمک آنها قالب یا شکل شعر را میسازد و آنچه به یاری آنها بیان میکند، محتوا یا مایه اصلی شعر است. صورخیال، تعبیری هنرمندانه از یک احساس یا اندیشه تازه است و اندیشه و احساس را رساتر بازگو میکند. بلاغت بعنوان یکی از قدرتمندترین و وسیعترین ابزار کار شاعر، به معماری ویژه‌ای نیاز دارد که تنها از یک شاعر خوب برمی‌آید. ارزش هر شعر، مربوط به نحوه کاربرد شاعر از عنصر خیال است و خیال صورتهای گوناگونی دارد که هر یک، به تنهایی نقش سازنده‌ای در ساختار شعر دارند. شعر شحنه مازندرانی نیز سرشار از صورتهای خیال است و هر شاعری برای سرایش، بگونه‌های سازنده خیال در شعر توجه وافر دارد. تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و بدیع از گونه‌های مختلف خیال است. تشبیه و استعاره در شعر در خلق تصویرهای ذهنی شاعرانه نقش مهمی دارد؛ اما نباید نوآوری را هم در این زمینه از نظر دور داشت. صرف شناخت دو نکته‌ای که با هم مقایسه و یا بهم تشبیه میشوند و غیره کافی نیست و لازم است. ضرورت دارد تا در بلاغت نکته‌ای تازه باشد تا کمک کند شاعر فکر یا شیء را به شیوه‌ای متفاوت و غیرعادی ببیند. استفاده از صورخیال پیش پا افتاده و مستعمل، همچنین استعاره، مجاز، کنایه و تشبیه‌هایی که نو و خلاقانه نیستند. شاعر را از یک فرصت طلایی برای سهیم کردن مخاطب در لذت شعری محروم میکند.

مقاله حاضر به بررسی سبک‌شناسی دیوان شعری شاعری کم نام و نشان در سبک بازگشت ادبی به نام «شحنه مازندرانی» میپردازد.

## سابقه و پیشینه تحقیق

تاکنون زیبایی‌شناسی و بررسی سبکی دیوان شحنه مازندرانی انجام نشد، اما در سال ۱۳۴۹، شهاب طاهری در مقاله‌ای با عنوان «شحنه مازندرانی» که در نشریه ارمان منتشر شد، به بررسی مختصر زندگی این شاعر پرداخت. بدرآبادی در سال ۱۳۹۴، در پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «بررسی و تصحیح دیوان شحنه خراسانی (مازندرانی)» به تصحیح این اثر پرداختند.

## زندگی شحنه مازندرانی

محمد مهدی خان، اصلش از اشراف طبرستان<sup>۱</sup> بود که پدرش محمد حسن خان و جدش حاجی محمدخان اوبهی هراتی است. مدتی شحنگی شیراز را به استقلال کرد، به قسمی که در واقع حکومت مینمود. در خدمت حسینعلی میرزای فرمانفرما مناصب دیگر هم داشت که اسباب مرجعیت بود. به کار مردم هم بسیار برمی‌آمد. در همان شحنگی هم بر خلاف معمول و مأمول حسن سلوک و ستاری و مردمداری داشت، بعد از آنکه استقلال نوریه در شیراز به سرحد کمال و نوبت زوال آنها رسید و از شیراز رفتند، خان مذکور نیز برفت و بر حسب امر اولیای دولت مدتی هم داروغگی اصفهان کرد تا در سال هزار و دویست و چهل و هفت، در اصفهان بدرود جهان گفت. شعر زیاد

۱. او در روستای پازوار (بابل مازندران) متولد شد

ندارد، ولی طبعش بد نبوده؛ بیشتر آنچه هم از او شنیده شده، قطعه و رباعی است. شحنه، پس از اینکه شوهر مادر رضاقلیخان<sup>۱</sup> هدایت شد، در آموزش و پرورش او خیلی کوشش نمود و در اصل مرتبی حقیقی اوست. و بعدها رضا قلیخان از معاریف گردید و در تاریخ و ادبیات دارای مقام عالی شد. وی از طفولیت منظور نظر شهنشاہ عالم (فتحعلیشاه) گردید. (بیگی، ۱۳۶۵: ۸۳۵) شحنه مازندرانی پس از آنکه از شیراز رهسپار اصفهان شد، مدت زمانی نیز در این شهر به منصب داروگی مشغول گشت، سرانجام در سال ۱۲۴۷ ه.ق در اصفهان چشم از جهان فرو بست.

### معرفی نسخه خطی شحنه

دیوان خطی محمد مهدی مازندرانی از تعدادی غزل با موضوعات، عشق، وصال، طبیعت، معشوق و فراق فراهم آمده است. این دیوان حدود ۵۵ غزل دارد، که کوتاهترین آن‌ها شامل ۵ بیت و بلندترین آنها ۱۰ بیت است. در دیوان مذکور در تعدادی از غزل‌ها و رباعیات خط خوردگی، جوهر مالیدگی یا افتادگی کلمات است. تعدادی غزل قطع شده بصورت پراکنده در دیوان شحنه بصورت تک بیتی، دو بیتی و چند بیتی وجود دارد، که در پایان نسخه خطی تحت عنوان غزلیات قطع شده، موجود است.

شحنه در تمام غزلها «شحنه» تخلص میکند:

دور از این بیش تر از بزم وصالش میسند  
شحنه را، راه به بزم از ندهی در شکند  
(شحنه مازندرانی: ۱۹)

### الف-سطح زبانی

زبان شعر در دوره بازگشت ادبی تحت تأثیر شعر دوره عراقی است. شعرا تا حدود زیادی مبنای سخن خود را بر تتبع و پیروی از آن روزگار قرار داده اند. در این سبک، ابهام و پیچیدگی رو به صراحت و سادگی آورد و استحکام و فصاحت شعر سبک خراسانی و عراقی سرمشق کار شاعران قرار گرفت. «شعر از پیچیدگی و تعقید رها شد و آماده بیان مضامین جدید گشت. شعرای دوره بازگشت هرچند تلاش نموده اند، زبان شعر و سخنوری خود را به دوره عراقی نزدیک گردانند، اما نشانه‌هایی در اشعار آنها دیده میشود که نمایانگر تأثیر پذیری از زبان عصر خود و تا حدودی شعر دوره صفویه است. شعر بازگشت چون بتدریج و گام بگام صورت پذیرفته، زبان آن خام و ابتدایی است و بدور از اشکالات صرفی و نحوی نیست.» (شاملو، دزفولیان، ۱۳۷۸: ۹۳) «به لحاظ ادبی مرسومترین قوالب شعری در این دوره، قصیده و غزل است.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۳۰۸) مضمون شاعر سبک بازگشت، همان مضامین قدیمی و تکراری بود و آثار این شاعران در بهترین و موقّترین سروده‌ها هم با شعر دوران غزنوی یعنی با مدلهای اصیل خود برابری نمی‌کردند. شاعران حرفه‌ای و زبان‌آور این عصر همه از موقعیت رسمی دولتی و درباری برخوردار بودند. از اینرو به مضامین اجتماعی و سیاسی نمی‌پرداختند. از تحولات اجتماعی و انقلابات دوران خود، هیچ اطلاعی نداشتند و شعرشان گویای محیط و روزگارشان نبود. سبک شعری «شحنه» نیز مشابه سبک عراقی است.

<sup>۱</sup> . دهخدا در لغت نامه هم به این موضوع اشاره دارد: رضا قلیخان، در خدمت ناپدری خود محمد مهدی خان متخلص به (شحنه) محمد مهدی خان فرزند محمد حسن بیگ است که فرد اخیرجد مادری رضا قلیخان بشمار میرود و در اصل اهل خراسان بود که مازندان را جهت سکونت برگزید. (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه)

## موسیقی کناری

### بیت مُصَرَّع

چون قافیه در هر دو مصراع یک بیت رعایت شده باشد، آن بیت را مُصَرَّع یعنی مقفی و این عمل را تصریح میگویند. (همایی، ۱۳۷۳: ۹۴)

|                                 |  |
|---------------------------------|--|
| دل اگر شد صید، کارم مشکل است    | دشمن جان من، ای یاران دل است           |
| از ستم دلبران شکوه ی عاشق خطاست | حکم کنی گر به جان، حکم تو بر جان رواست |
| مرا جان بی تو ای جان جهان نیست  | بلی آن را که جانان نیست جان نیست       |

(شحنه مازندرانی، بی تا: ۸، ۶، ۱۲)

### انواع قافیه

قافیه هم‌آوایی ناتمامی است که از تکرار یک یا چند صوت با توالی یکسان در پایان آخرین واژه‌های نامکرر مصارع یا ابیات یک شعر و گاه پیش از ردیف می‌آید. (حق شناس، ۱۳۷۰: ۴۴) در شعر شحنه آنچه بیشتر مشاهده میشود قافیۀ اسمی است.

### قافیه اسمی

|                             |                            |
|-----------------------------|----------------------------|
| که باد نوبهار از ابر آزار   | شنیدم خیمه زد بر طرف گلزار |
| نقاب افکند باد از چهره ی گل | گرفته شور در شوریده بلبل   |

(شحنه مازندرانی، بی تا: ۶۲، ۶۴)

### قافیه فعلی

|                          |                            |
|--------------------------|----------------------------|
| سحر نرگس خمار آلود خیزد  | شکر خنده از دهان غنچه ریزد |
| سحرگاهان نسیم آهسته خیزد | چنان کز برگ گل شبنم بریزد  |

(همان: ۶۴)

### قافیه بدیعی

قافیه بدیعی، قافیه ای است که در آن یکی از صناعات ادبی بکار رفته باشد و اقسام آن عبارت است از: قافیه متجانس، اعنات، قافیه متضاد، ردالقافیه، معموله، ذوقافیتین، و قافیه میانی. (فیاض منش، ۱۳۸۴: ۱۷۰)

|                            |                                |
|----------------------------|--------------------------------|
| دماغ عارفان زان عنبری بوست | صفی صوفیان از صافی اوست        |
| ز صافی مشربان کس نیست باقی | نه مینا ماند، نه ساغر، نه ساقی |

(شحنه مازندرانی، بی تا: ۶۹)

### ردیف

شاعران زبان فارسی بویژه شاعران «سبک عراقی و هندی در بکار گرفتن ردیف شیفتگی فراوان داشته اند.» (سادات ناصری، ۱۳۶۴: ۵۴) انواع گوناگون ردیف در شعر نو و کلاسیک فارسی دیده میشود در شعر فارسی، شاعران به ترتیب، از حیث بسامد، قصاید و غزل‌های مردّف بسیار گفته اند. شحنه نیز به استعمال ردیف علاقه فراوان دارد و این علاقه تقریباً در تمام غزل‌های او دیده میشود. توجه شحنه بیشتر درغزل به مضامین ساده و تکراری است و برای ایجاد مضامین بدیع چندان خلاقیتی از خود نشان نمیدهد. البته ضرورت ردیفهای متنوعی که اختیار میکند، در زنجیره گفتار وی پاره‌ای ترکیبهای درخور ستایش، استعاره‌های رنگین و تشبیهات خیالی دیده میشود و گاه در تنگنای انتخاب واژه قرار میگیرد، اما در اکثر موارد بدون اینکه دچار یاوه‌گویی شود، از این بن بست‌هایی

مییابد. البته لازم به یادآوری است که ردیف اگرچه از یک سو شاعر را در محدودیت قرار می‌دهد؛ اما از سوی دیگر پنجره‌هایی رو به افق تازه خلاقیت را در پیش چشم او می‌گشاید، بگونه‌ای که برای پرهیز از یکنواختی سعی میکند تا مضامینی جدید خلق کند. نظریه‌پردازان بزرگ ادبیات، غزل‌های موفق را دارای ردیف میدانند و معتقدند غزل بدون ردیف بندرت شانس مقبولیت مییابد، گویا شحنه نیز به این مسئله واقف بوده، از مجموع ۵۴ غزلی که در دیوان وی ذکر شده است، تعداد غزل‌های بدون ردیف از انگشتان دست تجاوز نمی‌کند. گویی وی به تاثیر ردیف در غزل آگاه بوده است.

### ردیف فعلی

ردیف‌های شحنه به صورت ترکیب‌های فعلی است. او در غزل از مقلدان شاعران گذشته زبان فارسی محسوب می‌شود، لذا بعید نیست که او در آوردن ردیف‌های فعلی دشوار به شاعران گذشته زبان فارسی اقتدا کرده باشد:

خطا کردم ز بیداد تو از اول حذر کردم      ستم کردم به خود بنیاد خود زیر و زبر کردم...  
 به دلبری دل او تا که مایل افتاده است      به زیر هر قدمش یک جهان دل افتاده است  
 (شحنه مازندرانی، بی تا: ۶، ۳۲)

بسامد ردیف فعلی در غزلیات او زیاد است؛ غالباً، ردیف فعلی خاصی مدام در چند غزل پشت سرهم تکرار می‌شود.

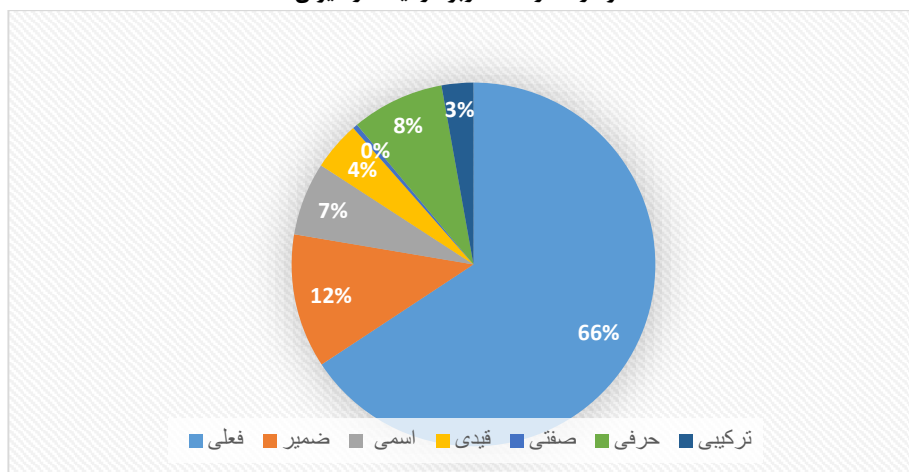
### ردیف اسمی

تو را در بندگی فرقی که باشد با من ای قمری      مرا بر دل بود بند و تو را بر گردن ای قمری...  
 آمد به جهان دو مه جبین ابراهیم      دو سرو قد و دو نازنین، ابراهیم  
 (همان: ۴۱، ۵۴)

جدول شماره ۱: بسامد انواع ردیف

|         |        |
|---------|--------|
| ۳۰۳ بار | فعلی   |
| ۵۵ بار  | ضمیر   |
| ۳۰ بار  | اسمی   |
| ۲۰ بار  | قیدی   |
| ۲ بار   | صفتی   |
| ۳۸ بار  | حرفی   |
| ۱۳ بار  | ترکیبی |

نمودار شماره ۱: کاربرد ردیف در دیوان شحنه



براساس نمودار بالا، شحنه بیشتر به کاربرد ردیف فعلی توجه داشته است.

#### موسیقی درونی

اموری را که موجب زیبایی و آرایش سخن ادبی میشود، محسنات و صنایع یا صنعت‌های بدیع میگویند و آنرا به دو قسم لفظی و معنوی تقسیم میکنند. (همایی، ۱۳۷۳: ۳۸-۳۷)

#### جناس تام

در جناس تام، لفظ (مجموعه صامت‌ها و مصوت‌ها) یکی باشد و معنی مختلف، یعنی اتحاد واگ و اختلاف در معنی. (شمیسا، ۱۳۶۸: ۸۵)

گفتم جانا دلم بری؟ گفت برم      گفتم جاش کجا دهی؟ گفت برم  
(شحنه مازندرانی، بی تا: ۵۳)

#### جناس اشتقاق

جناس کلمات همخانواده یا جناس ریشه: «قدما به کلماتی که از یک خانواده باشند، جناس اشتقاق میگویند» (شمیسا، ۱۳۶۸: ۶۴)

ساقیا در دور استعجال کن      زان که دور عمر بس مستجل است...  
دماغ عارفان زان عنبری بوست      صفی صوفیان از صافی اوست  
(شحنه مازندرانی، بی تا: ۷، ۶۹)

#### ردالعجز علی الصدر

این صنعت به تصدیر نیز معروف است. آنست که لفظی که در اول بیت و جمله نثر آمده است، همان را بعینه با کلمه‌ای شبیه متجانس در آخر بیت یا نثر بازآرند. (همایی، ۱۳۶۷: ۶۷)

میانم گر به تیغ کینه هر ساعت جدا سازد  
ازین بهتر که بهر قتل غیر آن مه، میان بندد...  
تا سر و سامان دهد عشق چه سان شحنه را  
باز ز کوی کسی بی سر و سامان رسید  
(شحنه مازندرانی، بی تا: ۱۲۰، ۱۹)

### واج آرای

واج آرای یا نغمه حروف یکی از زیباترین صنایع ادبی است. این تکرار آگاهانه علاوه بر اینکه القا کننده مفهوم خاص است، از تناسب آوایی و لفظی میان واژه‌ها پدید می‌آید.

مرا جان بی تو ای جان جهان نیست  
بلی آنجا که جانان نیست جان نیست...  
نسیم آسا گهی بر سبزه بگذر  
گهی بر گل گهی بر لاله بگذر  
(شحنه مازندرانی، بی تا: ۱۲، ۶۷)

### تکرار یا تکریر

گونه‌ای دیگر از «فراخی در سخن، تکرار است. تکرار آنست که برای استوار داشتن سخن، واژه ای را چند بار در آن بازآورند.» (کزازی، ۱۳۷۰: ۲۳۷)

ز مستان گر عنان زین پیش هشیاران ربودندی  
تو آن مستی که بستانی عنان از دست هشیاران...  
گفته بودی چند روزی صبوری کن اختیار  
جان من بی اختیارم، اختیار من کجاست...  
زان پسندم به تن خویشتن آزار تو را  
تا نیفتی پی آزار دل آزاردگر  
(شحنه مازندرانی، بی تا: ۳۵، ۱۱، ۲۰)

### مراعات النظیر

مراعات النظیر «آنست که در سخن اموری را بیاورند که در معنی با یکدیگر متناسب باشند، خواه تناسب آنها از جهت همجنس بودن باشد، مانند گل و لاله و امثال آن و خواه تناسب آنها از جهت مشابهت یا تضمن و ملازمت باشد؛ مانند شمع و پروانه.» (همایی، ۱۳۷۳: ۲۵۷)

طبیبا از سرم برخیز و رنج خود مکن ضایع  
که بهبودی نمی خواهند از این درد، بیماران...  
ستم به صید دلم آن قدر مکن صیاد  
چه شد به دام تو یک صید غافل افتاده است...  
عشق تو بحراست و دل مانده درین زورقی  
لطف تو اش بادبان، یاد تو اش ناخداست  
(شحنه مازندرانی، بی تا: ۳۵، ۶، ۸)

### تضاد

تضاد «یعنی دو چیز را در برابر یکدیگر انداختن و در اصطلاحات بدیعی آوردن کلماتی در یک بیت است که ضد یکدیگر باشند.» (ارژنگ، ۱۳۶۸: ۶۸)

به درگه تو گریزند از آن گنه کاران  
که بر ثواب مبدل شود گناه آن جا  
آشکارا غم دل پیش تو نتوان گفتن  
با تو شب محفلی از غیر نهانم هوس است  
(شحنه مازندرانی، بی تا: ۵، ۱۳)

### تلمیح

تلمیح، در اصطلاح بدیع آنست که گوینده در ضمن کلام به داستانی و یا مثلی و یا آیه و حدیثی معروف اشاره کند. (همایی، ۱۳۷۳: ۳۲۸)



زنده به یک بوسه کند مرده را مژده که اعجاز مسیحا شکست

(شحنه مازندرانی، بی تا: ۱۱)

اشاره بمعجزه حضرت عیسی (ع) که بفرمان خدای تعالی کور و پیس را شفا میداد و مرده را زنده میکرد. «وَأَبْرَأُ الْأَكْمَةَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أَحْيِ الْمَوْتَى بِأَذْنِ اللَّهِ.» (سوره آل عمران، آیه ۴۹) ازین جهت نفس عیسی و دم مسیحا بعنوان معجزاتی برای زنده کردن مردگان می‌آمد.

مگر خضر از لبش بوسی ربوده است که در عالم حیات جاودان کرد

(شحنه مازندرانی، بی تا: ۱۵)

بعضی خضر را از پیامبران بنی اسرائیل و برخی بنده ای از بندگان خدا خوانده‌اند که بر آب حیات دست یافت و تا رستخیز جاودانه شد. (بلعمی، ۱۳۵۳: ۴۶۵)

لطف تو سلیمان همه با مور خوش است اعدای تو خود هر که بود کور خوش است

اشاره دارد به داستان سلیمان و مور که لشکر سلیمان از جن و انس و مرغان بر او گرد آمده بودند که سلیمان بر سرزمین مورچگان گذشت. موری یاران را آواز داد که به خانه‌ها درشوید، تا سلمان و یارانش شما را فرو نشکنند، که اینان نمیدانند. باد خبر به سلیمان برد و او خندید و گام بازگرفت و سپاه بازایستانید و مورچه‌ها همه اندر خانه‌ها شدند. (یاحقی، ۱۳۸۶: ۴۷۵)

غمگین نشوی که داشت داوود آواز آواز دهل شنیدن از دور خوش است

تلمیح به داستان حضرت داوود (ع). «خدای تعالی داوود را آوازی داده بود که هرگاه زبور میخواند، مرغان هوا از پرواز باز میماندند و بر او گرد می‌آمدند و هر کس میشنید، مجال گذشتن نمییافت.» (یاحقی، ۱۳۸۶: ۱۹)

### مبالغه و اغراق

مبالغه و اغراق آنست که در وصف کردن و ستایش و نکوهش کسی و یا چیزی افراط و زیاده‌روی کنند، چندانکه از حد عادت معمول بگذرد و برای شنونده شگفت انگیز باشد. (همایی، ۱۳۷۳: ۲۶۲)

کی مدح تو ز آب بحر بتوان بنگاشت هر قطره ی بحر گر شود بحر دگر

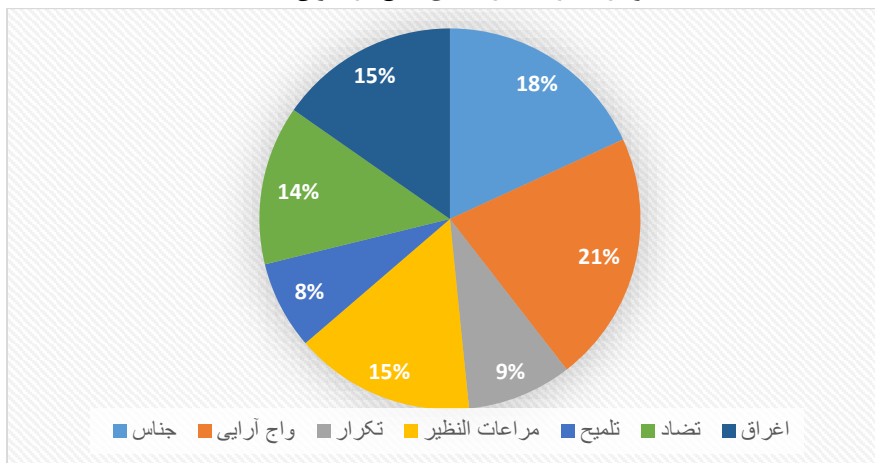
می مرد به این شوق که تا زنده شود می دید اگر مسیح اعجاز تو را

(شحنه مازندرانی، بی تا: ۴، ۳۷)

جدول شماره ۲: بسامد آرایه‌های بدیع در دیوان شحنه مازندرانی

|        |               |
|--------|---------------|
| ۵۱ بار | جناس          |
| ۶۰ بار | واج‌آرایی     |
| ۲۵ بار | تکرار         |
| ۴۳ بار | مراعات النظیر |
| ۲۱ بار | تلمیح         |
| ۳۸ بار | تضاد          |
| ۴۳ بار | اغراق         |

نمودار شماره ۲: آرایه‌های بدیع در دیوان شحنه



همانگونه که در نمودار فوق مشهود است، از میان مباحث بدیعی، شحنه بیشتر به واج‌آرایی توجه داشته است.

سطح واژگانی

در دیوان شحنه واژه «دوبالا» به معنای دو برابر بکار رفته است:

رقیب گفت خزان شد گلش ندانست این که از دمیدن خط حسن او دوبالا شد  
(شحنه مازندرانی، بی تا: ۱۸)

سرهم نویسی و جدا نویسی‌های بسیاری در اشعارش به ویژه در حروفی مانند به، تر، می، ها، این و آن وجود دارد.

ز هر دامن پهر خارش بهاری است زپا افتاده اش هر سو هزاری است  
به محنت خار و خاشاکی کشیدی بر آن شاخش بصد امید چیدی  
(همان: ۷۱)

- عدم رعایت تعداد و مکان نقطه‌ها در بعضی موارد وجود دارد، بنابراین حروفی مثل «ب» و «پ» یکسان است و تنها بر اساس معنا میتوان آنها را از یکدیگر تشخیص داد.

سراسر رهروان وادی عشق خرایی خوانده اند آبادی عشق  
(همان: ۷۴)

- شباهت «ک» و «گ» و کاربرد آنها به جای همدیگر برای مثال:

مئی کو سرّ وحدت کوهرم راز ز احوال طریقت کوهرم باز  
(همان: ۷۲)

- حروفی مثل «ر»، «و» و «د» یکسان نوشته شده است و از معنا باید به حرف مورد نظر شاعر پی برد.

- در بیشتر کلمات مشدّد، تشدید نگاشته نشده است.

### ب- سطح ادبی نسخه دیوان شحنه مازندرانی

صور خیال که اروپائیان آن را ایماژ (*image*) می‌گویند سخنان بسیاری آورده اند اما بطور کلی ایماژ یا تصویر خیال، اثری ذهنی یا شباهت قابل رؤیتی است که بوسیله کلمه، عبارت یا جمله نویسنده یا شاعر ساخته میشود یا تجربه حسی او به ذهن خواننده یا شنونده منتقل میشود. شاعر برای ارائه تصویر خیال، از صنایع مختلفی نظیر تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، اغراق، اسناد مجازی، تشخیص، نماد، تمثیل و مانند آنها بهره میبرد و در حقیقت صور خیال، کلیه مباحث فن بیان و بعضی از مباحث صنایع معنوی بدیع را شامل میشود. (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۷۴) البته خیال شاعرانه تنها در وزن و مفهوم شعر منظوم خلاصه نمیشود، بلکه بسیاری از تصرفات ذهنی مردم عادی یا نویسندگان در محور همین خیالهای شاعرانه جریان دارد. در تعریف صور خیال، چنین گفته‌اند: «مجموعه امکانات بیان هنری است که در شعر، مطرح است و زمینه اصلی آن را انواع تشبیه، استعاره، اسناد مجازی و رمز و گونه‌های مختلف ارائه تصاویر ذهنی میسازد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۳). مباحث عمده فن بیان شامل چهار عنصر: تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه. (رجائی، ۱۳۷۲: ۱۴۹). در این بخش صورخیال دیوان شعری شحنه مازندرانی بررسی میگردد.

#### تشبیه

تشبیه یکی از پرکاربردترین موضوعهای علم بیان و یکی از مهمترین عواملی که در افزایش میزان تأثیرپذیری یک شعر نقش به‌سزایی را ایفا میکند. تشبیه، مانند کردن چیزی است به چیزی، مشروط بر آنکه آن ماندگی مبنی بر کذب باشد، نه صدق، یعنی ادعایی باشد نه حقیقی. همین که می‌گوییم مانده کردن، تشبیه مصدر باب تفعیل است که از برای تعدیه است. معنایش اینکه آن دو چیز علی‌الظاهر شبیه بهم نیستند و بین آنها شباهت (ماننده بودن) نیست و این ما هستیم که این مشابَهت را ادعا و برقرار میکنیم، اما چون معمولاً به این نکته توجه نمیشود، ما قید مبتنی بر کذب بودن را جهت مزید بر تأکید افزودیم. (شمیسا، ۱۳۷۹: ۶۹) «تشبیه، یادآوری همانندی و شباهتی است که از جهتی یا جهاتی میان دو چیز مختلف وجود دارد. تشبیه، اخبار از شبه است و آن عبارتست از: اشتراک دو چیز در یک یا چند صفت که همه صفات را نمیتوان برشمرد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۵۳) طرفین تشبیه، دو رکن اصلی و اساسی تشبیه است. این دو رکن همواره در تشبیه موجود است و هیچ یک قابل حذف نیست، زیرا اگر یکی از آنها را حذف کنیم، تشبیه وارد مقوله استعاره میشود.

صنوبر چون جوانان دوش بر دوش      سمن چون گل رخان سیمین بناگوش  
فروزان لاله همچون روی مستان      شقایق چون عذار می پرستان  
(شحنه مازندرانی، ۶۳)

#### تشبیه مفروق

یکی از انواع تشبیه به لحاظ شکل تشبیه مفروق است. «چند مشبه و مشبه به باشد و هر مشبه‌بهی را تابع مشبه خود قرار دهند.» (همایی، ۱۳۶۷: ۲۳۸)

هجر رخت همچو سنگ، طاقت من چون سیو      عشق جمالت چو برق، جان و دلم چون.....  
(شحنه مازندرانی، بی تا: ۸)

#### اضافه تشبیهی

تشبیه بصورت اضافی: «هر گاه میان مضاف و مضاف الیه رابطه شباهت باشد اضافه را تشبیهی مینامند.» (شمیسا، ۱۳۷۹: ۸۰)

فغان که مرغ دل من اسیر است بر آن سر است که سوزد آشیانه ما  
(شحنه مازندرانی، بی تا: ۲)

### تشبیه تمثیل

تشبیهی را که وجه شبه آن مرکب باشد، در برخی از کتب بیانی «تشبیه تمثیل» گفته‌اند. تشبیه تمثیل، تشبیهی است که مشبه به آن جنبه مثال یا حکایت داشته باشد. در تشبیه تمثیل «مشبه حسی و مرکب است که برای تقریر و اثبات آن مشبه به مرکب و محسوس ذکر میشود.» (شمیسا، ۱۳۷۹: ۱۱)  
گفتم به خرد بگو مثالش گفتا «چون پاره ابری که بود بر سر ماه»  
(شحنه مازندرانی، بی تا: ۵۷)

### تشبیه تفضیل

مشبه را به چیزی تشبیه کنند و سپس از گفته خود عدول کرده و مشبه را به مشبه به ترجیح نهند «تفضیل یعنی برتری دادن، تشبیه تفضیل آنست که گوینده چیزی را به چیزی تشبیه کند، سپس مشبه را بر مشبه به برتری دهد و امتیازی برای آن بیاورد.» (نوروزی، ۱۳۸۰: ۳۷۶)  
گیرم که سرو راست بماند به قامت دارد کجا رعونت سرو بلند تو

### استعاره

استعاره در حقیقت نوعی از مجاز است، ولی شرط آن وجود علاقه مشابهت بین معنی حقیقی و مجازی است. (صفا، ۱۳۷۳: ۱۶۷) استعاره «تشبیهی است که یکی از دو سوی آن ذکر نشود.» (تجلیل، ۱۳۷۲: ۶۳)  
ببند اگر بر روی تو آن نرگس جادوی تو مؤمن ز جنت بگذرد، زاهد ز ایمان بگذرد  
(شحنه مازندرانی، بی تا: ۱۳)

### استعاره مکنیه

در استعاره مکنیه، مشبه را ذکر میکنند نه مشبه به را و آنرا در دل و ضمیر خود به جاننداری شبیه میسازند و سپس برای آنکه این تخیل را به خواننده منتقل شود، یکی از صفات یا ملائمت آن جاندار را در کلام ذکر میکنند. (شمیسا، ۱۳۸۵: ۱۷۴) این استعاره به لحاظ شکل بردو نوع است: اضافه استعاری و بصورت غیر اضافی که همان استعاره مکنیه است.

نشان تیر ملامت شدیم در همه شهر بس است در ره عشق همین ناله ما  
(همان: ۲)

تیر ملامت اضافه استعاری است.

### تشخیص

تشخیص، استعاره ای است که در آن مستعارمنه (مشبه به) را حذف کنند و مستعارله (مشبه) را با یکی از لوازم مشبه به آورند که آنرا استعاره بالکنایه یا تخیلیه گویند.  
به جز آن گل که هر دم شحنه را از خویش راند ندیدم هیچ گل کز خود براند باغبانش را  
(شحنه مازندرانی، بی تا: ۲)

### کنایه

کنایه، جمله یا ترکیبی است که مراد گوینده معنای ظاهری آن نباشد. بیشتر کنایات در دیوان شحنه از نوع ایماء است. این نوع از کنایه به دلیل اینکه در زبان روزمره و اصطلاحات عامیانه کاربرد بیشتری داشته و شاعر هم بطور ناخود آگاه بیشتر به سوی این نوع کنایه گرایش داشته و به ساختن کنایاتی زیبا و بدیع پرداخته است.

شحنه از کویش چه سان بیرون رود  
دست بر سر مانده و پا در گل است  
(شحنه مازندرانی، بی تا: ۷)

پا در گل بودن، کنایه از مقید و گرفتار بودن است. (تیک چند بهار، ۱۳۷۹: ۳۷۷)

دل زکف یوسف مصری ربود  
گرمی بازار زلیخا شکست  
(شحنه مازندرانی، بی تا: ۱۱)

دل زکف ربودن، کنایه از کسی را عاشق خود کردن است. (انوری، ۱۳۸۳: ۶۵۸)

### مجاز در دیوان شحنه

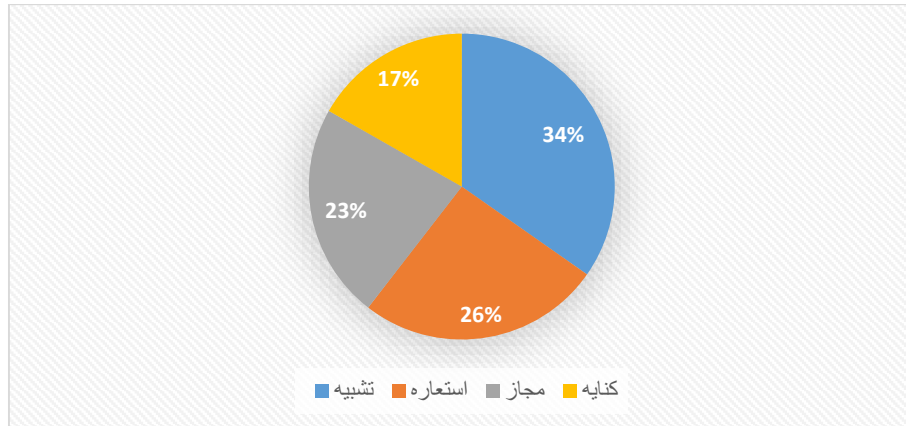
هر گاه لفظی در غیر معنی اصلی خود بکار رود، آن را مجاز و معنی غیر اصلی آن را معنی مجازی خوانند. (صادقیان، ۱۳۸۲: ۲۱۱) در دیوان شحنه انواع مجازها نسبت به دیگر گونه‌های علم بیان بخصوص استعاره و تشبیه، از بسامد کمتری برخوردار است، اما از میان گونه‌های مجاز، مجاز با ذکر جزء و اراده کل و هم‌چنین علاقه محلیت بیشتر از دیگر انواع مجازها به چشم می‌خورد. و لازم و ملزوم از دیگر مجازها کمتر است. برای مثال، کیوان مجاز از آسمان، صبا مجاز از پیام رسان، صنم مجاز از معشوق در دیوان آمده است.

گر از ره مرحمت شبی بگذاری  
پا بر سر من سرم ز کیوان گذرد  
شحنه کند جامه چو گل چاک چاک  
چون ز صبا می شنود بوی تو  
در داد تن به جور و جفای تو ای صنم  
روزی که شحنه پای به راه وفا نهاد

جدول شماره ۳: بسامد صور خیال در دیوان شحنه مازندرانی

|        |         |
|--------|---------|
| ۵۸ بار | تشبیه   |
| ۴۳ بار | استعاره |
| ۳۸ بار | مجاز    |
| ۲۸ بار | کنایه   |

نمودار شماره ۳: طیف صور خیال در اشعار دیوان شحنه



همانگونه که در نمودار فوق مشهود است، «تشبیه» در دیوان شحنه بیش از سایر مباحث بیانی کاربرد بیشتری دارد.

ج- سطح فکری

**عشق:** عشق رابطه‌ای خاص انسان است، زیرا انسان یگانه موجودی است که قابلیت رشد ذاتی و رسیدن به کمال را دارد. عشق «مانند سایر اجزاء جهان حقیقتی سیال و موج و درنگ ناپذیر و در حقیقت عنایت و هدایتی است الهی و تفسیر آن در دفتر و کتاب ننگجد» (نوربخش: ۱۳۸۱: ۸۷) دو نوع عشق در ادب فارسی به نام عشق حقیقی و عشق مجازی است، عشق حقیقی همان عشق معنوی و پاک است که با عشق مجازی فرق دارد در حالیکه عشق مجازی همان برداشت زیست‌شناسانه و بیولوژیک از عشق است که از نظر عشق حقیقی مورد نکوهش است. افلاطون میگوید: «هر که را دست عشق نسوده است راهش به ظلمات است. ویل دورانت شاخصه‌های تکامل و مدنیت را عشق میدانند و از نظر او انسان متمدن دارای عشق است.» (زمانی، ۱۳۹۵: ۴۳۳).

|                                       |   |
|---------------------------------------|---|
| به زیر تیغ تو کو چاره ای به جز تسلیم  | که سود می‌دهد شحنه را سپاه آن جا          |
| شبی گفتم بگو، کی دامن وصلت به چنگ آرم | بگفتا شحنه، خواهی دید وصلم را به خواب الا |
| شب فراق تو را طی چگونه بتوان کرد؟     | که تا به صبح وصلت هزار فرسنگ است          |

(شحنه مازندارنی، بی تا: ۴، ۵، ۹)

در پایان عشق، همه چیز را عاشقی میدانند و هر آنچه غیر از آنرا باطل می‌شمارد. زاهد، در اعتقاد عاشقان عاشقی حق است و باقی باطل است (همان: ۷)

شاعر وارد وادی عشق میشود:

|                        |                            |
|------------------------|----------------------------|
| کهن صحرا نورد وادی عشق | در این وادی دلپیش هادی عشق |
|------------------------|----------------------------|

(همان: ۶۷)

مذمت زهد ریایی

نکوهش زهد ظاهری و نیز اشاره به آئین زرتشتی و عیسوی در رباعیات شحنه به چشم می‌خورد.

کعبه ز تو ای زاهد و بتخانه ز من  
کوثر ز تو ای واعظ و پیمانہ ز من  
زنار ز من، سبحة صد دانه ز تو  
عالم همه از تو باد و جانانه ز من  
(شحنه مازندرانی: ۵۴)

شاعر آزاد اندیش که از ریا و زهد سالوسی گریزان و پایبند به اصول دینی است، میگوید:  
ز صافی مشربان کس نیست باقی  
نه مینا ماند، نه ساغر، نه ساقی  
(همان: ۶۹)

#### مدح

در پایان نسخه خطی، مثنوی عرفانی زیبایی آمده و چینش صفحات این دیوان، به شکلی است که قسمت تحمیدیه آن در مدح پیامبر(ص) پایان این مثنوی آورده شده و تحمیدیه‌ها با موضوع حمد و ستایش پروردگار و پیامبر و امامان معصوم در آغاز هر نوشته می‌آید، ولی در این دیوان، تحمیدیه در ابیات پایانی مثنوی آمده است:

محمد شمع بزم اهل بینش  
به او روشن چراغ آفرینش  
کتابش معجز روشن بیان را  
وصیش حاکم مطلق جهان را  
(همان: ۷۵)

محمد مهدی در دوران سلطنت فتحعلیشاه قاجار بداروغگی فارس و حکومت بنادر منصوب شد و مدح حاکم فارس بعنوان شهزاده فارس در چندین جای دیوان نقل شده است:

شهزاده کجا بر زر و گوهر نازد  
یا از سپه و کشور و افسر نازد  
گویم به تو ناز و نگه، شهزاده ی فارس  
بر لطف خدیو هفت کشور نازد

\*\*\*

صد شکر که آن خسرو خاور آمد  
با کوبه ی جم و سکندر آمد  
یعنی که به ملک فارس شهزاده فارس  
از درگه شاه هفت کشور آمد  
(همان: ۴۷)

#### وصف طبیعت

شاعر با اشاره به طبیعت زنده و توصیف زیباییهای آن، ذهن مخاطب را بسوی موضوعات ماورایی سوق میدهد:  
مرا غافل که ایام بهار است  
سراسر کوه و صحرا لاله زار است  
رخ گل را که عکس روی یار است  
هوا مشاطه، آب آینه دار است  
(شحنه مازندرانی: ۶۲)

#### آشنایی با روح عرفانی

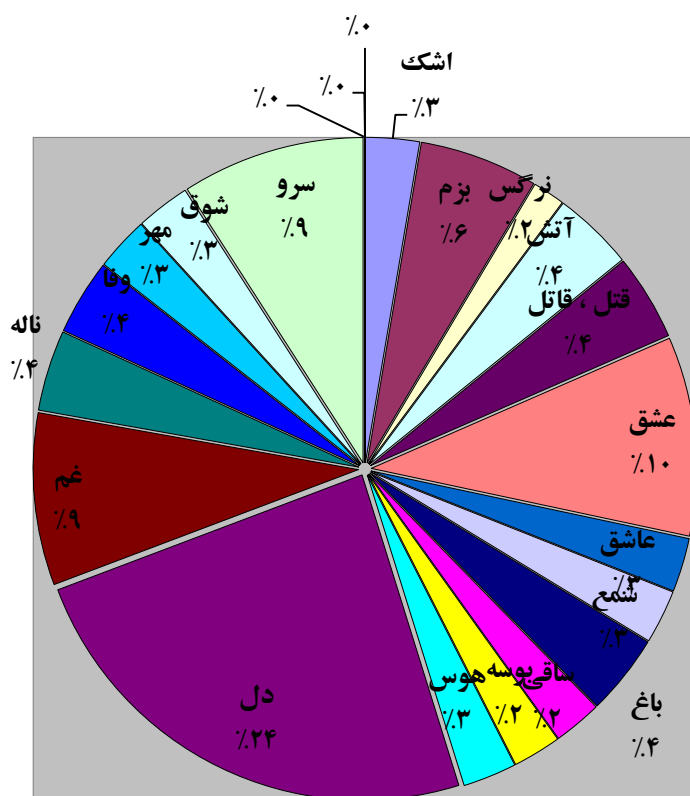
معرفت به عرفان در بیت بیت مثنوی شحنه به چشم میخورد، گوهر وجودی این شاعر را با احوال طریقت در هم آمیخته؛ از می بزم لامکان نوشیده و از اسرار وجودی گوهر کمیاب انسانی بهره جسته است.

ز عشق، افسانه ام بر دل وبال است  
حدیث از عشق گو عالم خیال است  
(همان: ۷۳)

شحنه، پیر طریقت و فرزانه گمشده ای را در ابیات خود جست و جو میکند:

بگفتش پیر که ای فرزانه فرزند  
دل از دور فلک، می دار خرسند  
(همان: ۷۰)

### نمودار شماره ۴: بسامد محتوایی دیوان شحنه مازندرانی



همانگونه که در نمودار فوق مشهود است، کلمه مورد علاقه شحنه «دل» است. دل، لطیفه ربّانی و روحانی و مکان اندیشه است و حقیقت انسان عاشق است.

مضمون رباعیات شحنه مازندرانی عشق، مدح و وصف است.

|                                  |                                  |
|----------------------------------|----------------------------------|
| مسجد ز تو ای واعظ و می خانه ز من | کعبه ز تو ای زاهد و بت خانه ز من |
| عالم همه از تو باد و جانانه ز من | ز تار ز من، سبچه صد دانه ز تو    |
| (شحنه مازندرانی، بی تا: ۵۴)      |                                  |

همچنین استفاده از اسامی مختلفی مانند ابراهیم، یوسف، جمشید و آوردن تلمیح به داستان آنها به زیبایی رباعیات وی افزوده است.

#### نتیجه‌گیری

با بررسی و تحلیل اشعار دیوان شحنه مازندرانی چنین بر می‌آید که کلام شحنه متوسط است. قالب برتر شعر شحنه غزل است که به خلق تصاویر زیبایی در ابیات پرداخته است. موضوع اصلی غزل عشق است؛ اگر چه غزل‌های خوبی هم دارد. او نیز همانند همعصران خود در عصر بازگشت ادبی، شاعری غزلسرا با همان موضوعات عمده در غزل



است و با خواندن اشعار او شیوه بیان شاعران پیش از او تداعی می‌شود. موضوعات اصلی در اشعارش عشق، مدح، وصف و محبوب بیوفا و عدم وصال است. همچنین چندین رباعی و یک مثنوی نیز در دیوان وی به چشم می‌خورد. هم‌چنین اشعار شحنه بیشتر مردف است و ردیف‌های اشعارش بیشتر فعلی است. در اشعار شحنه، واژه‌هایی مانند دل، سرو، غم، عشق، عاشقی، بزم، ناله، مهر، شوق، وفا، اشک، آتش، شمع، قاتل، قتل، بوسه و هوس از بسامد بالایی برخوردار است. از عناصر علم بیان، مقوله‌ای که بیش از دیگر موارد در دیوان شحنه یافت می‌شود، تشبیه است و میزان تشبیهات از نوع محسوسات زیاد بچشم می‌خورد. شاعر از صنعت استعاره و تشخیص نیز بمیزانی کمتر از تشبیه استفاده کرده است. کنایه‌ها در دیوان بیشتر از نوع ایماء هستند. بسامد این نوع کنایه در دیوان شاید بیانگر این امر باشد که وی به زبان کنایی در محل زندگی خویش و اصطلاحات عامیانه بی‌توجه نبوده است. از انواع مجاز علاقه جزئیت و محلیت بیشتر بکار رفته است. و از انواع جناس، جناس تام و اشتقاق زیاد به چشم می‌خورد. از دیگر آرایه‌ها چون اغراق، تضاد و تلمیح نیز غافل نشده است و موارد نسبتاً زیادی از آنها در اشعارش یافت می‌شود و بیشتر تلمیحات وی موضوع داستانی دارند.

### مشارکت نویسندگان

این مقاله با مشارکت سرکار خانم دکتر مرضیه زارع زردینی و سرکار خانم دکتر آسیه ذبیح نیا عمران که به‌عنوان پژوهشگران در درگردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند، نوشته شده است.

### تقدیر و تشکر

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب قدردانی خود را از ماهنامه سبک‌شناسی نظم و نثر که امکان چاپ و نشر مقاله مذکور را فراهم کردند، اعلام نمایند.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی می‌دهند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت کامل دارند. این تحقیق طبق کلیه قانونها و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرند.

### REFERENCES

- Arzhang, G. (2002). [Persian language and literature. Tehran: Ghatreh Publishing.
- Badrabadi, S. (2015). Review and correction of the Divan of Shahneh Khorasani (Mazandarani). (Master's thesis, Payame Noor University, Ardakan Center). Supervisor: Yadollah Shakibafar.
- Bal'ami, A. A. M. (1974). The History of Bal'ami (M. Taqi Bahar, Ed.). Tehran: Zavar Publications.

- Beigi, A. (1986). *The Garden of Poets* (A. Hossein Navayi, Ed.). Tehran: Zarrin Publications.
- Dekhoda, A. A. (1994). *Dekhoda Dictionary*. Tehran: University of Tehran Press.
- Fayazmanesh, P. (2005). Another perspective on the music of poetry and its connection with themes, imagination, and poetic emotions. *Journal of Research and Language in Persian Literature*, 4.
- Haghshenas, A. M. (1991). *Literary-linguistic articles*. Tehran: Niloufar Publications.
- Homaiei, J. (۱۳۶۷) *Rhetorical Techniques and Literary Industries*, Tehran, Homa Publishing Institute.
- (۱۳۷۰) *Ma'ani and Bayan*, first edition, by Mahdokht Bano Homaiei, Tehran, Homa publishing Institute.
- Kazazi, M. J. (1991). *Meanings*. Tehran: Markaz Publishing.
- Mir Sadighi, M. (2006). *Dictionary of the art of poetry* (3rd ed.). Tehran: Mahnaz Books.
- Noorbakhsh, J. (2002). *Forty sayings and thirty messages* (2nd ed.). Tehran: Yalda Qalam Publishing.
- Noorouzi, J. B. (2001). *The standard of Persian speech; meanings and expression*. Shiraz: Koosha Mehr Publications.
- Rajaei, M. K. (1993). *The Signs of Eloquence*. Shiraz: Shiraz University.
- Sadat Naseri, S. H. (1985). *Rhyme and figurative arts*. Tehran: Iran Printing and Publishing Company.
- Safaei, Z. B. (1987). *The art of speech* (13th ed.). Tehran: Qoqnus Publications.
- Shahneh Mazandarani, M. M. (n.d.). *Manuscript collection* (Catalog No. 9102). Tehran: Library of the Islamic Consultative Assembly.
- Shafiei Kadkani, M. R. (2006). *The music of Persian poetry* (10th ed.). Tehran: Agah Publishing Institute.
- Shafiei Kadkani, M. R. (1987). *Imagery in Persian poetry*. Tehran: Agah Publishing Institute.
- Shamisa, S. (1987). *Dictionary of allusions*. Tehran: Ferdows Publications.
- (1999). *Meanings and expression*. Tehran: Ferdows Publications.
- (2006). *Stylistics of poetry*. Tehran: Mitra Publishing.
- (1989). *Rhetoric in Persian poetry*. Tehran: Payame Noor University Press.
- Sotoudeh, G. R. (2001). *Reference studies and research methods in Persian literature*. Tehran: Samt Publications.
- Taheri, S. (1970). *Shahneh Mazandarani*. *Armaghan Magazine*, 39(7), 483-487.
- Yahaghi, MJ. (1386), *Culture of Mythology and Stories in Persian Literature*, Tehran, Contemporary Culture
- Zamani, K. (2016). *The vase of love* (14th ed.). Tehran: Ney Publishing.

## فهرست منابع

قران کریم

ارژنگ ، غلامرضا (۱۳۸۱)، زبان و ادب فارسی ، تهران: نشر قطره.  
بدرآبادی، سارا(۱۳۹۴) «بررسی و تصحیح دیوان شحنه خراسانی (مازندرانی)»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور مرکز اردکان. راهنما: یدالله شکیبافر.

بلعمی، ابو علی محمد (۱۳۵۳)، تاریخ بلعمی، تصحیح محمدتقی بهار، تهران: انتشارات زوار.

بیگی، احمد (۱۳۶۵)، حدیقه الشعراء، با تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات زرین.

تجلیل، جلیل (۱۳۷۲)، معانی و بیان ، تهران ، نشر دانشگاهی.

حق شناس، علی محمد (۱۳۷۰)، مقالات ادبی - زبان شناختی، تهران: انتشارات نیلوفر.

دهخدا، علی اکبر(۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

رجایی، محمدخلیل(۱۳۷۲) *معالم البلاغه*، شیراز: دانشگاه شیراز

زمانی، کریم (۱۳۹۵) *میناگر عشق*، چاپ چهاردهم تهران: نشر نی.

سادات ناصری، سیدحسن (۱۳۶۴)، قافیه و صنایع معنوی، تهران: شرکت چاپ و نشر ایران.

ستوده، غلامرضا (۱۳۸۰)، مرجع شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی، تهران: سمت.

شاملو، اکبر، دزفولیان، کاظم (۱۳۷۸) *بازگشت ادبی و مختصات زبانی شعر آن دوره*، نشریه تاریخ ادبیات فارسی،

ش ۵۹/۳

شحنه مازندرانی، محمد مهدی (بی تا) *دیوان خطی*، شماره فهرست ۹۱۰۲، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۵) *موسیقی شعر فارسی*، چاپ دهم، تهران، موسسه انتشارات آگاه.

\_\_\_\_\_ (۱۳۶۶) *صورخیال در شعر فارسی*، تهران: آگاه.

شمیسا، سیروس (۱۳۶۶)، فرهنگ تلمیحات، تهران: انتشارات فردوس.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۹)، معانی و بیان، تهران: انتشارات فردوس.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۵)، سبک شناسی شعر، تهران: نشر میترا.

\_\_\_\_\_ (۱۳۶۸)، بدیع، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

صادقیان، محمد علی (۱۳۸۲)، طراز سخن در معانی و بیان، یزد: ریحانه الرسول.

صفا، ذبیح الله (۱۳۶۶)، آیین سخن، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات ققنوس.

طاهری، شهاب. (۱۳۴۹). *شحنه مازندرانی*، مجله ارمان، دوره ۳۹، ش ۷، صص ۴۸۳-۴۸۷.

فیاض منش، پرند(۱۳۸۴) *نگاهی دیگر به موسیقی شعر و پیوند آن با موضوع، تخیل و احساسات شاعرانه*، فصلنامه

پژوهش و زبان ادب فارسی.ش ۴.

کزازی، میر جلال الدین (۱۳۷۰)، معانی، تهران: نشر مرکز.

میر صادقی، میمنت(۱۳۸۵) *واژه نامه هنر شاعری*، تهران: کتاب مهناز، چاپ سوم.

نوربخش، جواد (۱۳۸۱) *چهل کلام و سی پیام*، چاپ دوم، تهران: انتشارات یلدا قلم

نوروزی، جهان بخش (۱۳۸۰)، میزان سخن فارسی، معانی و بیان ۲۱ ، شیراز: انتشارات کوشا مهر.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۶۷) فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران، موسسه نشر هما.  
\_\_\_\_\_ (۱۳۷۰) معانی و بیان، چاپ اول، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران، موسسه نشر هما.  
یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۶)، فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، تهران، فرهنگ معاصر.

#### معرفی نویسندگان

مرضیه زارع زردینی: استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.  
(Email: [Mzare93@pnu.ac.ir](mailto:Mzare93@pnu.ac.ir))  
(ORCID: 0000-0003-4617-8675)  
آسیه ذبیح‌نیا: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.  
(Email: [zabihnia@pnu.ac.ir](mailto:zabihnia@pnu.ac.ir))  
(ORCID: 0000-0002-1886-382x)

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

#### Introducing the authors

**Marzieh Zare Zardini:** Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Payam Noor University, Tehran, Iran.  
(Email: [Mzare93@pnu.ac.ir](mailto:Mzare93@pnu.ac.ir)) : Responsible author  
(ORCID: 0000-0003-4617-8675)  
**Asiah Zabihnia:** Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Payam Noor University, Tehran, Iran.  
(Email: [zabihnia@pnu.ac.ir](mailto:zabihnia@pnu.ac.ir))  
(ORCID: 0000-0002-1886-382x)